

بررسی تدابیر پدیدارشناسی در نقد بناهای معماری

(مسجد ملک، مسجد جامع کرمان)

محمدعلی اشرف گنجوی^۲

مربی دانشکده هنر و معماری صبا دانشگاه شهید باهنر کرمان

محمد سلطانزاده^۳

مربی دانشکده هنر و معماری صبا دانشگاه شهید باهنر کرمان

کلیدواژگان: ادراک ذهنی، نقد معماری، تدابیر پدیدارشناسی.

ارزش‌های بناهای تاریخی، در خلال درس مقدمات طراحی معماری دوره کارشناسی معماری، هر کدام یک بنای تاریخی را نقد می‌کنند. آن‌ها بر اساس تدابیر عملی، طی چند جلسه بنا را مشاهده و سپس تحلیل می‌کنند. در انتها تدابیر حاصل از این دو تجربه در قالب چهار گروه مشخص شامل: تدابیر کل، تدابیر جزء، تدابیر خاص بنا، و تدابیر مربوط به روش بیان تدوین و سپس تأثیر آن‌ها در نقد معماری با توجه به الگوهای پدیدارشناسی ارزیابی می‌شوند.

مقدمه
نقد ابزاری مهم در درک معماری و ارزش‌های آن است و در ایران فقدان نقدی کارآمد باعث پنهان ماندن بسیاری از اصول معماری تاریخی شده که حاصل آن، فقدان حضور الگوهای تاریخی در معماری معاصر است. از معضلات مهم نقد، کمبود مستندات و مدارک تاریخی است که برای حل این معضل روش‌های تحلیلی که اتکالی کمی به مستندات تاریخی دارند مؤثر خواهند بود. در این نوشتار،

چکیده
از نگاه پدیدارشناسی درک حقیقت بر اساس جدا نبودن عین و ذهن است و هر نوع بررسی، پژوهش، و یا نقد باید با اتکا به ذهن باشد. بر این اساس در معماری، نگرش‌های پدیدارشناسی با توجه به تجربه افراد در فضا تعریف می‌شوند. هدف در این نوشتار بیان روش‌های عملی برای نقدی پدیدارشناسانه است و شامل روش‌هایی به منظور درک، مشاهده، و بیان آن چیزی است که تجربه می‌شود. ارتباط این روش‌ها با ذهن این امکان را ایجاد می‌کند که اولاً شخص بر اساس «توانایی‌های خود» اصول و الگوهای موجود در بنا را مشاهده و تأیید با درک بی‌واسطه و مستقیم آن اصول، راحت‌تر بتواند در طراحی‌های جدید از آن ایده‌ها استفاده کند. در این نوشتار، دو گروه از دانشجویان، با توجه به اهمیت شناخت و به‌کارگیری

۱. این مقاله برگرفته از دو تجربه میدانی در خلال آموزش درس مقدمات طراحی معماری دوره کارشناسی معماری با اتکا به الگوهای پدیدارشناسی است. نگارندگان بر خود واجب می‌دانند که از مشاوره آقای مهندس ججت گلچین عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر، که در زمینه بناهای تاریخی کرمان مطالعاتی داشته‌اند، تشکر کنند.

۲. نویسنده مسئول

m_aganjoote@uk.ac.ir

3. msoltan@uk.ac.ir

پرسش‌های تحقیق

۱. چه تدابیری برای نقد معماری بر اساس رویکرد پدیدارشناسانه اندیشیده شده است؟
۲. تدابیر نقد پدیدارشناسی تابع چه الگوها و ساختارهایی هستند؟
۳. این تدابیر چه تأثیری در نقد معماری دارند؟

هدف معرفی و تبیین کاربردی چنین روش‌هایی است. تئوری‌هایی که متکی بر پیوستگی عین و ذهن هستند این امکان را ایجاد می‌کنند تا از طریق ذهن، حقایق زیادی کشف گردد. در آن‌ها ذهن منبع مطالعات می‌شود تا از طریق آن تجربیات و خاطرات شخص را بررسی و الگوهای آن را کشف کنند. در ضمن الگوهای ذهنی می‌توانند به ساختارهای زمینه‌ای و هویت بومی توجه داشته باشند؛ چرا که ذهن متأثر از بستر فرهنگی اجتماعی است که در آن رشد یافته است.

به این منظور به پدیدارشناسی توجه شد، چرا که در هر پدیده یا عینیتی را متکی بر شناخت ذهن می‌داند. با توجه به اهمیت مفاهیم پدیدارشناختی، ابتدا مطالبی در مورد مفاهیم و کاربردها و نقش آن در معماری بیان می‌گردد. سپس تدابیر عملی منطبق بر پدیدارشناسی برای نقد معماری تجربه می‌شود. این روش‌ها برای چگونگی تجربه و درک ساختارهای یک بنای معماری بیان می‌شود. اهمیت این روش‌ها ایجاب می‌کند که از آن‌ها به صورت تجارب آموزشی برای دانشجویان معماری و در دروس پایه استفاده شود. آنچه که با عنوان روش‌های نقد بیان می‌شود، در قالب دو تجربه مربوط به درس مقدمات طراحی معماری دو است و در دو نیم‌سال جداگانه، دو بنای تاریخی نقد و تحلیل می‌شود. دانشجویان ابتدا بنا را مشاهده و سپس نقد می‌کنند. مشاهده و نقد در چندین جلسه مکرراً ادامه می‌یابد. این تکرار عامل عمیق شدن دانشجو و درک صحیح‌تر از بنا می‌شود که این درک در تحلیل‌های او مؤثر است. تدابیری که در دو مورد مطالعاتی به دانشجویان آموزش داده شده، در انتهای مقاله جمع‌بندی می‌شوند. در ادامه کلیه تدابیر در چهار بخش مشخص دسته‌بندی می‌شوند. سپس در نتیجه‌گیری این چهار بخش بر اساس معیارهای پدیدارشناسی ارزیابی می‌شوند.

۱. پدیدارشناسی و معماری

اینکه عین و ذهن در پدیدارشناسی از یکدیگر جدا نیستند و درک عالم بر همین اساس است، اهمیت زیادی در نوع بینش انسان از پدیده‌های اطرافش دارد و معماری، به منزله یک کالبد، از این قاعده مستثنی نیست. حال این سؤال مطرح شود که اصولاً این نگاه چه تأثیری در معماری و نقد آن می‌تواند داشته باشد؟ نگرش‌های پدیدارشناختی جزء سنت‌های پژوهش‌های کیفی محسوب

4. T. Toadvine, *Ecological*

Aesthetics, p. 85.

5. Tactics

ع. نک: محمدرضا ریخته‌گران، هنر از دیدگاه مارتین هایدگر.

۷. مردیت گال و دیگران، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ص ۱۰۵۲.

۸. نک:

A.L. Strauss & J.M. Corbin,
Basics of Qualitative

Research : Techniques and
Procedures for Developing
Grounded Theory.

از آنجایی که در مورد اکثر بناهای تاریخی، نقد تحلیلی و کارآمدی نیست روش‌های کیفی، مبنای مناسب برای تحقیق هستند و نتایج حاصل می‌تواند موضوع جمع وسیعی از پژوهش‌های کمی بعدی باشد.

۹. لیندا گروت و دیوید وانگ، روش‌های تحقیقی در معماری، ص. ۱۷۶.

۱۰. مردیت گال، همان. در پژوهش‌های پدیدارشناسی این فرض متصور نمی‌شود که یادگیرنده در ضمن یادگیری تسخالی از جهان عینی خارج از ذهن را به درون بفرستد، بلکه این گونه تصور می‌شود که خود او به طور فصال به ساختن دانش می‌پردازد. پس بنا بر ویژگی‌های مختلف افراد و ادراکات متفاوت آنان، دانش هر کس منحصر به خود اوست (علیرضا سیف، روان‌شناسی پرورشی، ص ۳۴۵). بنا بر این نتایج حاصل از روش‌های یادشده چون وابسته به ذهن هستند، متکثرند و حقیقت از زوایای مختلف ارزیابی می‌شود.

11. Y. Darlington & D. Scott.
Qualitative Research in
Practice Stories from the
Field, p. 17.

کارشناسی معماری انجام شده است. در کتب معماری اسلامی به‌جز برخی توصیفات اطلاعات تحلیلی چندانی در خصوص این دو بنا نیست. در ادامه، نخست برای هر مورد مطالعاتی، کلیاتی جهت آشنایی خواننده با بنا آورده می‌شود، سپس تدابیر مربوط به روش تحلیل بیان می‌گردند، در انتها تدابیر استفاده‌شده در دو مورد مطالعاتی، بر اساس شاخص‌های پدیدارشناسی جمع‌بندی می‌شوند. با توجه به اینکه در پژوهش‌های کیفی «بن‌مایه‌ها و الگوها جای نتایج آماری را می‌گیرند»^۶، در انتها تدابیر حاصل از دو مورد مطالعاتی منطبق با الگوها و ساختارشان، در قالب چهار بخش کلی، تفکیک و بر اساس پژوهش‌های پدیدارشناسی و تأثیرشان در نقد معماری ارزیابی می‌شوند.

۲.۱. مورد مطالعه اول: مسجد ملک

۲.۱.۱. تاریخچه مسجد ملک

مسجد ملک جزء قدیمی‌ترین مساجد کرمان است. ساخت مسجد به دست ملک قاورد سلجوقی در سال ۴۲۰ق شروع شد و فرزندش ملک توران‌شاه در سال ۴۷۸ق آن را تکمیل کرد.^۷ گوشه جنوب غربی مسجد، معروف به صحن حسنی، مربوط به قرون اولیه بعد از اسلام در دوره دیلمیان بوده است. در دوران قاجار در سال ۱۲۸۵ق مسجد تعمیر و گودال باغچه آن پر شد.^۸ موقعیت شهری مسجد ملک در مرکز محله شاه عادل است و حیاط آن فضایی برای تجمع مردم بوده است. مسجد دارای یک مناره است و از سه طرف شرق، جنوب، و شمال ورودی‌هایی دارد. تزیینات مسجد شامل گچ‌بری، آجرکاری، و کاشی معقلی است. مسجد چهار ایوان و محراب آن گنبدخانه دارد (ت ۱ تا ۵).

۲.۱.۲. مشاهدات و تحلیل‌های دانشجویان از بنای مسجد ملک

در اولین جلسه از دانشجویان خواسته شد که بنای تاریخی مسجد ملک را مشاهده و نقد کنند. هیچ مرجع خاصی برای مطالعه

می‌شوند، در نتیجه از ویژگی‌های پدیدارشناسی می‌توان به اتکا نکردن به تئوری اولیه، اتکا به زمینه و شرایط و بستر تحقیق^۹ و همین‌طور ذهن شخص^{۱۰}، و در نهایت مطالعه عمیق تعداد معدودی مورد^{۱۱} و توجه به شاخص‌های منحصربه‌فرد آن‌ها^{۱۲} اشاره کرد. با توجه به اینکه در پدیدارشناسی، تحقیق بر اساس ذهنیت اشخاص است، پژوهشگران تدابیر تحقیق را بر اساس روش‌هایی چون طرح سؤالات مختلف از اشخاصی که پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند، انجام می‌دهند. این سؤالات از پیش تعریف‌شده نیستند (و متمایز از تحقیقات کمی هستند). ارزش واقعی سؤالات این است که اجازه می‌دهند پاسخ‌دهنده از مکانیزم شهودی و درونی برای پاسخ استفاده کند^{۱۳} و در نتیجه پرسش‌ها و پاسخ‌های داده‌شده به آن‌ها متنوع خواهد بود.

پدیدارشناسی و ویژگی‌های آن در معماری کاربرد زیادی دارد. معماران از تدابیر پژوهش پدیدارشناسی در کارگاه‌های طراحی استفاده زیادی کرده‌اند. به عقیده بوتاند باگتر، رویکرد پدیدارشناسی در آموزش دروس طراحی می‌تواند گرایش به طراحی خردگرا و تقلیل معماری به تأثیرات و نتایج کمی را کم و در مقابل تجربیات انسانی را جانشین آن کند.^{۱۴} هدف اصلی در رویکرد پدیدارشناسی در پژوهش‌های معماری آن است که اشخاص، با تجربه یک فضای معماری (به طرق مختلف)، به دنبال خصوصیات هویتی و ویژگی‌های مکانی آن باشند.^{۱۵} بر این اساس در این پژوهش‌ها دو مسئله حائز اهمیت است: اول تجربه و مشاهده فضا و دوم بیان و تحلیل آن چیزی که تجربه شده است. در ادامه تجربه پدیدارشناسی و تدابیر مربوط به آن برای دو بنای تاریخی بیان می‌گردد.

۲. بررسی موردهای مطالعاتی

در این نوشتار نتایج حاصل از تحلیل دو بنای تاریخی مسجد ملک و مسجد جامع کرمان بیان می‌شود که در طی دو نیم‌سال موضوع نقد در درس مقدمات طراحی معماری دو از سوی دانشجویان



۱۲. نک:

N.K. Denzin & Y. Lincoln.
Strategies of Qualitative
Inquiry.

۱۳. در برخی از سوالات تنها در ایجاد تنوع در باب یک موضوع اصلی از طریق کاربرد کلمات مختلف سعی می‌شود. هدف در برخی از پرسش‌ها ایجاد جاذبه در پاسخ مجدد به یک موضوع است، به طوری که جزئیات بیشتری از طریق روش‌های مختلف بیان می‌شود. در بعضی سوالات در جستجوی دسته‌بندی اطلاعات از طریق خلاصه کردن یا بازنویسی پاسخ‌های قبلی هستند N. McPhee & R. Terry. The Hidden Art of Interviewing (People, pp. 104- 106

۱۴. نک: لیندا گروت و دیوید وانگ، روش‌های تحقیق در معماری.

۱۵. در این خصوص می‌توان به سواردی مانند یادآوری مکان خاطره‌انگیز و توصیف حس مکان در مورد آن، تجربه یک مکان شهری از طریق قدم زدن، غذا خوردن در آن، و سواره آن را تجربه کردن اشاره کرد (نک: گروت و وانگ، همان).

16. P. Maykut & R. Morehouse. Beginning

Qualitative Research, p. 143.

۱۷. کامبیز حاجی‌قاسمی، گنجنامه، جلد ۶، مساجد، ص ۱۹۰.

۱۸. همان.

ت. ا. پلان موقعیت مسجد ملک، مأخذ: محمدعلی اشرف گنجپویی.

عرضه نگردید و دانشجویان می‌بایست بر اساس مشاهدات خود بنا را نقد می‌کردند. در جلسهٔ دوم آن‌ها در بیان آنچه که مشاهده کرده بودند مشکل داشتند.

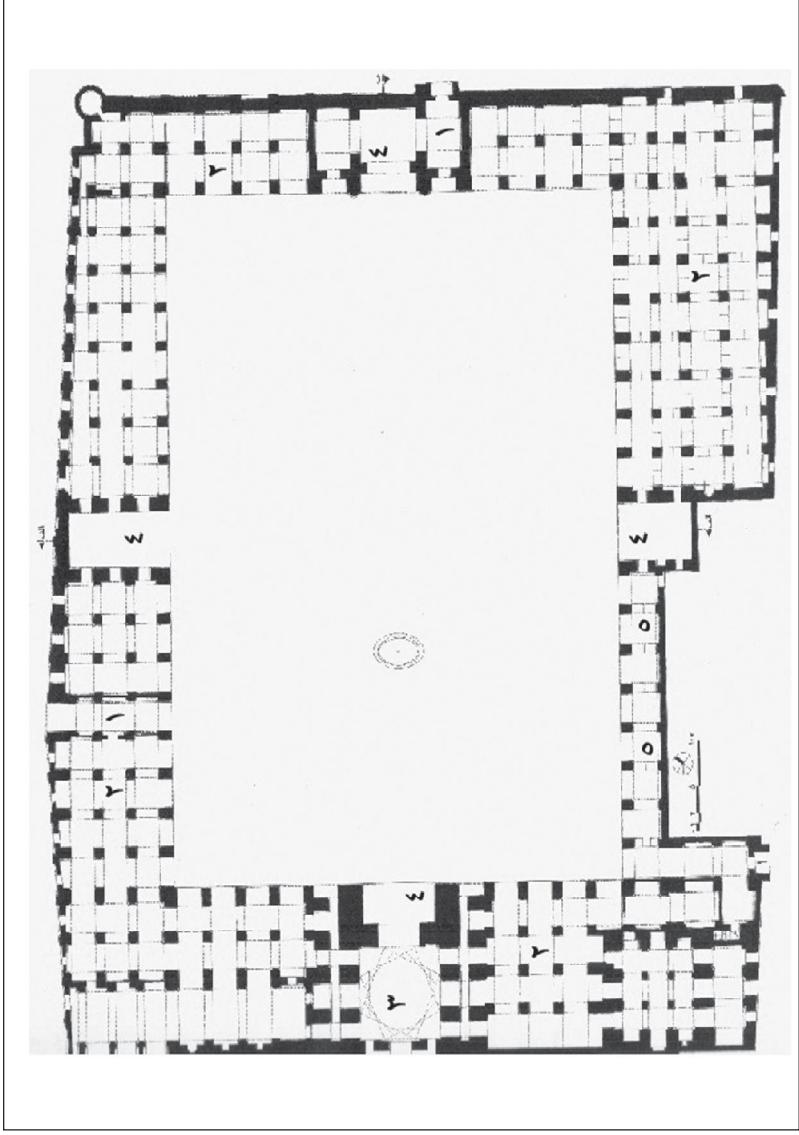
مشاهده و درک محیط و بیان موضوعات شاخص آن به زبان ساده (بدون پیش‌زمینهٔ قبلی): طرح سؤالانی در خصوص توصیف آنچه دانشجویان مشاهده کرده بودند سبب می‌شد که دانشجویان به ذهن خود مراجعه کنند و آنچه را که دریافت کردند توصیف کنند. در ضمن خواسته شد، مفاهیم را به شکل فرم‌های ساده و بدون تکرار عناصر و سمبل‌های تاریخی و با اغراق بیان و ذهنیت خود از بنا را بدون دیدن مجدد ترسیم کنند. هدف مریی این بود که دانشجویان به عناصر و سمبل‌های تاریخی اکتفا

نکنند، بلکه بیشتر به روابط و نظم‌های بنا و البته مفاهیم آن توجه کنند، در پاسخ به این جمع‌بندی رسیدیم:

- نامتناسب بودن حیاط: از نظر دانشجویان ابعاد حیاط بزرگ بود و با ارتفاع بدنه‌های آن متناسب نبود.

- تهی‌بودن و نبود نقطهٔ شاخص در حیاط: دانشجویان به دنبال نقاط شاخص عمودی بودند (ذهنیت اکثر آن‌ها این بود که فضای مذهبی باید دارای نقاط شاخص فرمی باشد). در این بنا چنین ساختاری نیافتند و در نتیجه تهی بودن و بی‌توجهی به فرم خاص را ویژگی بنا دانستند.

- توجه بیشتر به فضا و نه تودهٔ ساختمانی: دانشجویان دریافتند که فضای حیاط (به دلیل وسعتش) از بدنه‌ها و عناصر پیرامونی



- ت ۲. پلان مسجد ملک
 (۱. ورودی، ۲. شبستان،
 ۳. گنبدخانه، ۴. ایوان،
 ۵. رواق)
 مأخذ: کامبیز حاجی‌قاسمی،
 گنجنامه، جلد ۶، مساجد، ص
 ۱۹۲.

این روش برای درک اهمیت نقش عناصر یا نظم بین آن‌ها است.

- سادگی و آرامش فضای محراب: دانشجویان پس از بررسی فضای محراب، مصالح و نوع تزیینات آن را تغییر دادند (نوع تزیینات از آجرکاری و گچ‌بری به کاشی کاری تغییر کرد)، که منجر به پیچیدگی و تمایز فضا شد. بنا بر این نتیجه گرفتند که فضای محراب، سادگی، و آرامش محراب متأثر از ترکیب رنگ و تزیینات آن است.

بررسی ویژگی‌های معماری ایرانی در بنا: برای کمک بیشتر به دانشجویان برخی تدابیر که بر اساس نظم‌های موجود در فضاهای معماری ایرانی است، برای آن‌ها بیان گردید. این تجربه دو مزیت داشت، اول آنکه کار دانشجویان انطباق بیشتری با ساختار بنا بیابد و دوم آشنایی ذهنی آن‌ها با نوع روشی بود که در بنا برای استفاده از آن مفهوم استفاده شده بود. بر این اساس با توجه به اهمیت فضای درون در معماری ایرانی و تمایز آن با محیط بیرونی (به دلیل ساختار درون‌گرای آن) از دانشجویان خواسته شد که این تفاوت‌ها را در بازدید چندمرحله‌ای بنا بررسی کنند و این خود منجر به تغییر نگاه آنان شد، این نتایج حاصل شد:

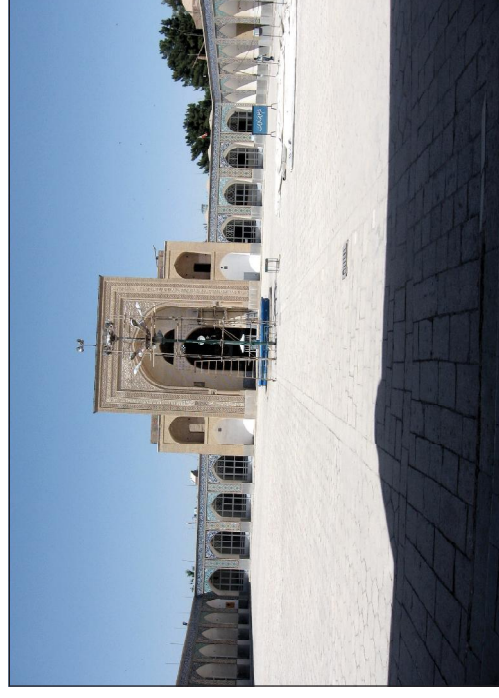


آن اهمیت بیشتری داشت. به بیان دیگر فضا نسبت به فرم اهمیت بیشتری دارد و عمق معنای مسجد را می‌توان در فضای آن جستجو کرد (مربوط به بازدیدهای بعدی).

- سادگی، شاخص اصلی مسجد: دانشجویان سادگی را یک شاخص مهم بنا دانستند. آن‌ها سادگی را در نبود نقطه شاخص در مسجد دانستند، همچنین سادگی تزیینات و رنگ عامل دیگری در سادگی مسجد بود. اهمیت مفهوم سادگی در این بود که دانشجویان بعد از چند جلسه مراجعه، آن را درک کردند (ت ۶).

- مسطح بودن فضای مسجد: برخی مسجد را مشابه فرمی مسطح و فاقد عناصر عمودی خاص دانستند. هرچند که ایوان‌ها نسبت به زمینه خود بلندتر بودند، اما شاخص نبودند. بر این اساس بنا را به صورت یک مستطیل ساده ترسیم کردند. هدف آن‌ها ترسیم مفاهیم کلی فضا با پرسپکتیو به زبانی ساده بود (ت ۶).

مداخله در الگوهای ذهنی با هدف درک ویژگی‌های بنا: با شکل‌گیری الگوهای ذهنی از مسجد، خواسته شد که برخی نظم‌ها یا عناصر را تغییر دهند و ساختار جدیدی را متصور شوند.



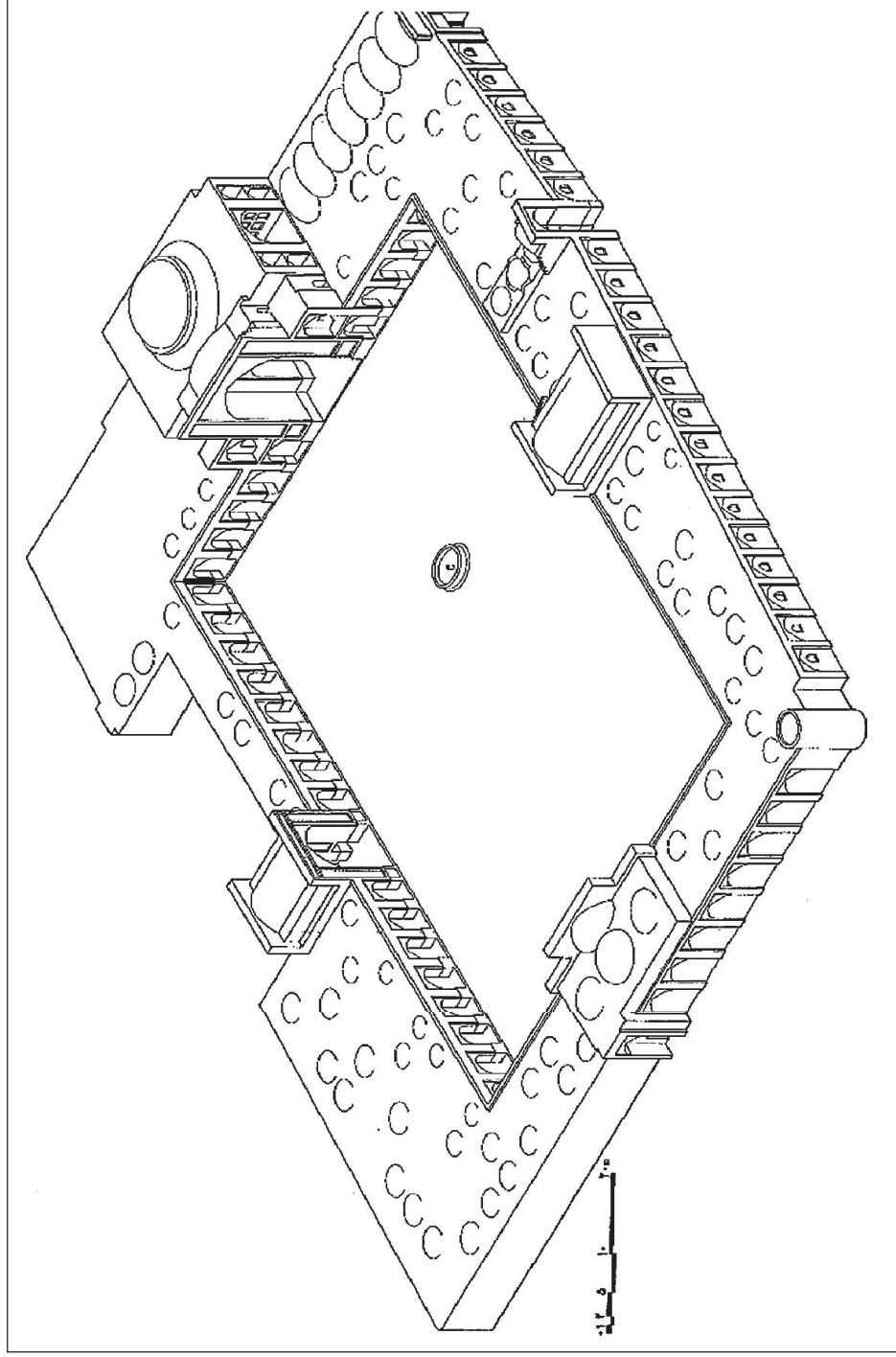
ت ۳ (راست): دید از ایوان شمالی و غربی مسجد ملک؛ عکس: مرع اشرف گنجیوی.
ت ۴ (چپ): دید از سمت خیابان امام به مسجد ملک؛ عکس: مرع اشرف گنجیوی.

- عدم تمایز درون و بیرون: با وجود ورودی‌های متعدد، تفاوت چندانی بین بیرون و داخل نبود (مربوط به بازدید اولیه).
 - شاخص نبودن نمای داخلی: نماهای داخلی مسجد انتظار اولیه هر شخص را با دیدن مسجد از بیرون ارضا نمی‌کرد (مربوط به بازدید اولیه).

- سادگی عامل تمایز فضای داخل از خارج: فضای داخل در تضاد با فضای بیرون به دلیل ساده بودن فرم و رنگ، سکوت ذهنی خاصی را ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که با گذشت

زمان و حرکت تدریجی در بنا، فضا به شکلی ذهنی (با سیر و سلوکی خاص) شناخته شود. آرامش ذهنی حاصل شده باعث درک تفاوت بین داخل و خارج است، چرا که فضای شهری بیرون دارای تکرر و چندگانگی و فضای داخل دارای یکدستی و آرامش است، بنا بر این به طور خلاصه می‌توان گفت که فضای بیرون مسجد پیچیده و شلوغ است، اما فضای درون ساده و ساکت است، و این مربوط به بازدیدهای بعدی است (ت ۷).

ت ۵. تصویر سه‌بعدی از مسجد ملک، مأخذ: حاجی قاسمی، همان، ص ۱۹۱.



۲.۲. مورد مطالعه دوم: مسجد جامع کرمان

۱. تاریخچه مسجد جامع

مسجد جامع کرمان بنایی با ساختار چهار ایوانی است و در پشت طاق‌نماهای صحن، شبستان و نمازخانه ساخته شده است. سردر مدخل اصلی به هشتی گنبدداری منتهی می‌شود که به ایوان کوچک شرقی راه می‌یابد. فرمان ساخت مسجد را امیر محمد مظفر در سال ۷۴۳ق صادر کرد.^{۱۹} در کتیبه سفالی سردر، تاریخ ۷۵۰ق/۱۳۴۹م هست و به نظر می‌رسد که قسمت بیشتر مسجد در همین دوران ساخته شده است.^{۲۰} این مسجد را در عصر صفویه و در زمان شاه عباس دوم صفوی خیری به نام شاهرخ ترمیم کرد و در سال ۱۱۷۶ق مناره‌ها و دیگر قسمت‌ها مرمت شد. و در دوران قاجار سقف ایوان جنوبی و کاشی‌کاری‌های آن ترمیم شد.^{۲۱} این مسجد در کنار بازار مظفری و با یک ورودی به آن مرتبط است. مسجد علاوه بر ورودی بازار، دو ورودی دیگر نیز دارد، ورودی شرقی در سمت میدان مشتاق و ورودی شمالی که به خیابان شریعتی مرتبط است (ت ۸ تا ۱۲).

۲.۲.۲. مشاهدات و تحلیل‌های دانشجویان از بنای

مسجد جامع

برای دانشجویان دوره بعد مسجد جامع کرمان انتخاب شد. این بنا به لحاظ رنگ و تزیینات نسبت به مسجد ملک ساختاری پیچیده دارد. در این مورد نیز روش نقد با توجه به توانایی‌های دانشجویان و تجربیات مری از مورد مطالعاتی قبلی تعیین شد. اتکای روش به ذهنیات اشخاص عامل تنوع و گوناگونی تحلیل‌ها شده است.

مشاهده و درک محیط و بیان موضوعات شاخص به زبان ساده (بدون پیش‌زمینه قبلی): از دانشجویان خواسته شد که با مشاهده بنا هر آنچه که برایشان شاخص است را تحلیل کنند. در جلسه بعد گروهی به دلیل آشنایی نداشتن با روش، تحلیل خود را بر اساس کتب معماری اسلامی بیان کردند، اما گروهی دیگر تجربیات

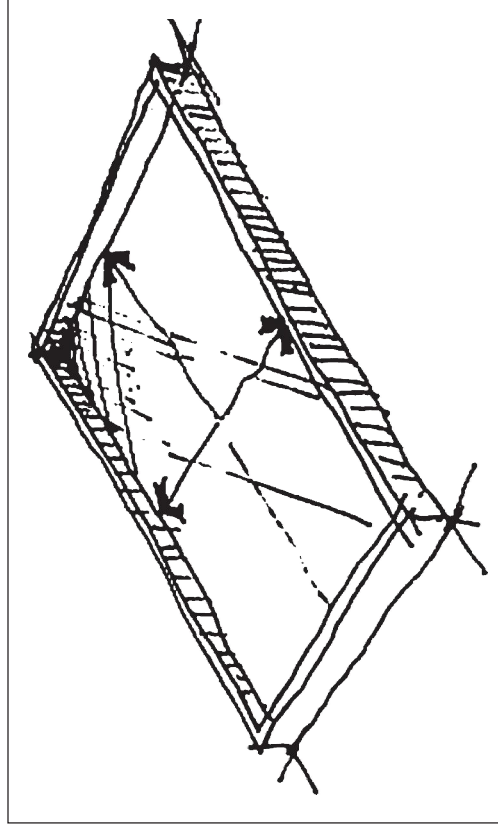
مشاهدات مستقیم آن‌ها از بنا بود. پس یک موضوع با خوانش‌ها و بیان‌های متعددی عرضه شد و این نیازمند حضور مکرر در بنا بود. در کنار این مسئله مباحث کلاسی بین دانشجویان و مری اهمیت زیادی داشت، چرا که این روش‌های نقد برای دانشجویان تازگی داشت.

در آنچه دانشجویان بررسی کردند، سه مسئله مهم بود: نخست راهنمایی مری در خصوص شیوه بیان ساده مفاهیم بود. دانشجویان باید مفاهیم ادراک‌شده را در قالب فرم‌های ساده و بدون تکرار عناصر قبلی مسجد بیان می‌کردند. این بیان ساده هرچند ساختاری مدرنیستی دارد، اما مانع توجه دانشجویان به مفاهیم موجود در جزئیات و تزیینات و تأثیر آن‌ها در معماری نبود. مسئله دوم این بود که آن‌ها بر اساس توانایی‌های خود به ایده‌های اصلی و شکل‌دهنده مسجد دست یافتند و این با مشاهده و ادراک مستقیم آن‌ها و بدون کمک گرفتن از کتب مربوطه بود.

مسئله سوم در مورد تنوع پاسخ‌گویی به موارد مشابه بود. هرچند که دانشجویان در ایده‌های کلی (مانند مفهوم سادگی مسجد) اتفاق نظر داشتند، اما با خوانش‌های متفاوتی آن را بیان می‌کردند.

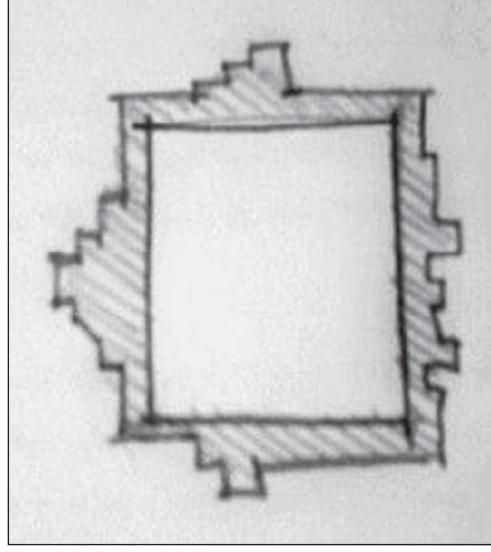
۱۹. حاجی قاسمی، گنجنامه، جلد ۸، مساجد جامع، ص ۷۰.
۲۰. دونالد نیوتون ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ص ۱۹۶.
۲۱. حاجی قاسمی، همان.

ت ۶. کروکی دانشجویان از مسجد، نمایش‌دهنده سادگی مسجد و جداره‌ها، وسعت فضای حیاط
(ترسیم دانشجویان ورودی ۱۳۸۳)



مسجد نسبت به خیابان و فقدان دید مناسب به آن نمود مسجد از جانب خیابان را کم کرده است. در این خصوص مسیرهای پیاده دو طرف خیابان شریعی، خصوصاً مسیر پیاده سمت مقابل مسجد، ارتباط مناسبی (در شأن مسجد) با آن ندارد. تأثیر زمان در محیط: از دانشجویان خواسته شده بود که در زمان‌های مختلف بنا را تجربه کنند، این امر به دلیل بررسی تأثیر شرایط محیطی در بنا و بررسی نقش زمان بود: - طلوع و غروب آفتاب و ارتباط آن با تزیینات: یکی از دانشجویان به این نتیجه رسیده بود که فرم و رنگ تزیینات با طلوع و غروب آفتاب هماهنگ است و انعکاس زیبایی از نور در زمان طلوع و غروب در مسجد ایجاد می‌شود و این نشان‌دهنده توجه به نور و زمان در طراحی مسجد است.

- آمیختگی زمان و فضای مسجد: زمان و آمیختگی آن با نگاهی دیگر بر اساس فضاهای بسته و نیمه‌باز و کارایی آن‌ها در ساعات مختلف بررسی شد. مثلاً در ظهر فضای نیمه‌باز سر پناهی مناسب است و در غروب سایه بنا روی بخش‌های دیگر به آن زیبایی می‌دهد و ترکیبی از سایه و انعکاس رنگ‌های کاشی دیده می‌شود.



خود را که دارای تنوع نیز بود به صورت‌های زیر عرضه کردند: - ادراک بهتر مسجد به دلیل پایین‌تر بودن تراز آن نسبت به زمینۀ موجود: از آنجایی که مسجد نسبت به بافت امروزی در سطح پایین‌تری قرار گرفته است، شخص قبل از وارد شدن تا حدی کلیت و ساختار مسجد را درک می‌کند. این مسئله برای دانشجویان نکته‌ای مثبت بود.

- فقدان آب‌نما در حیاط اصلی: دانشجویان بر اساس ذهنیت قبلی خود انتظار داشتند که در میان حیاط یک آب‌نما باشد و فقدان آن را نوعی نقص می‌دانستند. وجود حوض میان حیاط الگویی کلیشه‌ای بود که در این مسجد نیست. - توجه به تزیینات: مفرس‌های سردر ورودی هفت ردیف است (این مورد نشان‌دهنده توجه دانشجویان به تزیینات بود).

- سیر تکاملی تزیینات سردر اصلی: تزیینات سردر (سمت میدان مشتاق) از پایین به بالا سیر تکامل هندسی دارد (نوع نقوش و هندسه از پایین به بالا از فرم‌های مربع به دایره تغییر می‌کند). همانند مورد قبل تزیینات تحلیل می‌شود (در اکثر روش‌های تحلیلی که مدرن هستند، علی‌رغم نقش تزیینات در معماری سنتی، نقش آن‌ها نادیده گرفته می‌شود).

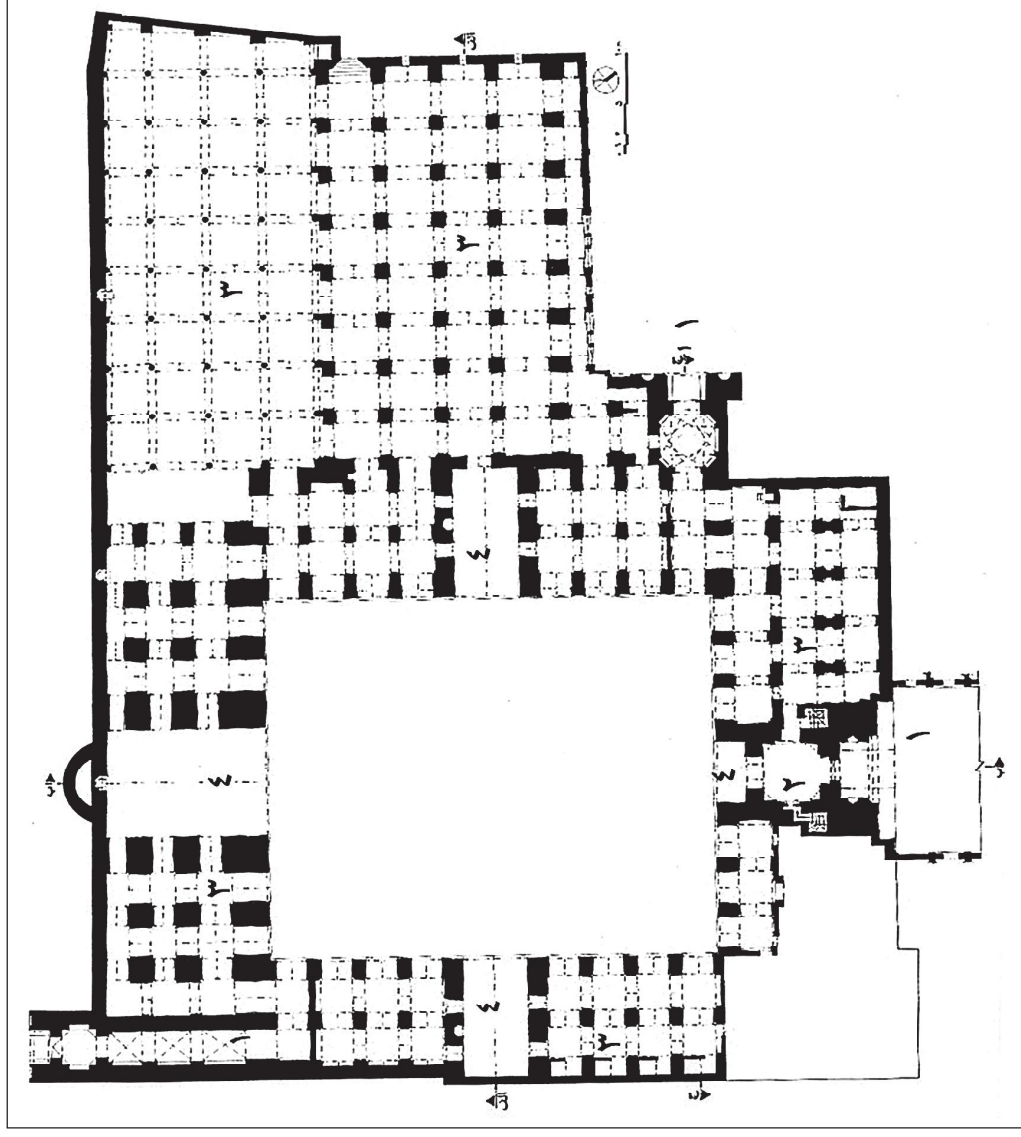
- اهمیت پیش‌ورودی سمت میدان مشتاق (ورودی شرقی): از سمت میدان مشتاق که به سمت مسجد می‌رویم حیاطی با یک حوض در ارتفاع پایین‌تر از سطح میدان قرار دارد. کشیدگی این حیاط در راستای حرکت به سمت سردر مسجد و محور قبله است و نمای دیوار دو طرف آن آجری با طاق نما است. در میانه فضای یک حوض کشیده هست. خصوصیات ذکر شده باعث محصوریت فضا و تمایز آن از محیط شهری شده و پیش‌ورودی مناسبی برای مسجد است (ت ۱۰).

- نمود نامناسب ورودی سمت میدان شریعی: از آنجایی که خیابان شریعی جزء مهم‌ترین دسترسی‌های شهر محسوب می‌شود، نظر دانشجویان این بود که مسجد باید نمود شهری بیشتری برای این دسترسی داشته باشد. پایین بودن ورودی

- عدم تناسب پیش‌ورودی شرقی با حیاط: ابعاد پیش‌ورودی شرقی نسبت به حیاط مسجد بزرگ‌تر و تا حدی نامتناسب است. شخصی که این پیش‌ورودی را تجربه می‌کند، انتظار تجربه دیدن حیاطی با ابعاد بزرگ‌تر را دارد.

- تناسب انسانی شبستان‌ها: فضای شبستان‌ها خلوت و فردی، با نوری آرام و یا شدت کم است. قطر ستون‌ها و همچنین فاصله آن‌ها نسبت به هم به این مورد کمک زیادی کرده است.

- تفاوت ادراک در میزان وسعت حیاط: وقتی از هشتی حیاط داخلی را می‌نگریم، کوچک‌تر از حالتی است که از سمت محراب می‌بینیم و این به دلیل تغییر وسعت دید بصری است.



ت ۸. (صفحه روبه‌رو) پلان موقعیت مسجد جامع کرمان؛ مأخذ: مرع اشرف گنجوی.

ت ۹. پلان مسجد جامع کرمان (۱. ورودی؛ ورودی شمالی در سمت راست، ورودی شرقی در پایین نقشه و ورودی بازار در سمت راست بالای نقشه، ۲. هشتی، ۳. شبستان، ۴. ایوان)، مأخذ: حاجی قاسمی، گنجنامه، جلد ۸، مساجد جامع، ص ۱۹۱.

شد آیا ورودی مسجد از فواصل مختلف، ادراکات متنوعی را ایجاد می‌کند؟؛ سردر سمت میدان مشتاق ابتدا دومی و سپس با نزدیک شدن به آن سهدمی دیده می‌شود (به دلیل مقرنس کاری‌ها، ترکیبات حجمی اجزاء سردر، و همچنین دید به حیاط داخلی) و در نهایت با نزدیک شدن به ورودی نقوش و هندسه تزئینات دیده می‌شود (در معماری بناهای اسلامی، بر خلاف بناهای مدرن، بنا در چند مقیاس قابل‌درک است).

- تبدیل ارتفاع سردر هنگام نزدیک شدن به آن: عمودی بودن سردر ورودی شرقی از فاصله دور قابل‌توجه است، اما وقتی شخص به ورودی نزدیک می‌شود، با پرسپکتیوی تعریف‌شده به فضای هشتی و حیاط داخلی وارد می‌شود. بنا بر این تناسب عمودی سردر آزردهنده نیست، چرا که زاویه دید هنگام نزدیک شدن به آن تغییر می‌کند.

- کنترل صدا و دید در ورودی سمت بازار: ورودی بازار از نظر اکثر دانشجویان قابل‌قبول است، زیرا هم کنترل صوتی مناسبی بین دو فضا دارد و هم سلسله‌مراتب مناسبی را ایجاد کرده است. در این مسیر شخص ابتدا از محیط پرسروصدای بازار

مشاهده و ثبت تدریجی فضا با پرسپکتیو: در تحلیل‌های معماری که متکی بر پلان، نما، و مقطع هستند به هندسه و ساختار کلی توجه می‌شود و نتایج حاصل معمولاً یکسان است و ربطی به شخص تحلیل‌کننده ندارد. اما وقتی که شخص در فضا قرار می‌گیرد، نما یا پلان را نمی‌بیند، بلکه تعداد زیادی پرسپکتیو را تجربه می‌کند که مبنای ادراک شخص از فضا است. حرکت در فضا و ثبت آنچه که اتفاق می‌افتد باعث تجربه آنچه می‌شود که لزوماً در پلان، نما، و مقطع قابل‌درک نیست. این روش، به‌ویژه در بناهای تاریخی، که سلسله‌مراتب یک اصل مهم برای ارتباط فضاها و مفصل‌دار شدن آنها است، اهمیت دارد:

- اهمیت پیش‌ورودی شرقی نسبت به حیاط مسجد: فضای ورودی سمت میدان (به دلیل وسعت) مهم‌تر از حیاط داخلی مسجد است، به تعبیری مقدمه از خود مسجد مهم‌تر است (این مورد در سطور قبلی با بیانی دیگر بررسی شد. در روش‌های پدیدارشناختی نگاه‌ها و بیان‌های متنوع افراد از یک موضوع مشخص حائز اهمیت و ارزش است).

- تغییر تدریجی سیمای ورودی شرقی (از دانشجویان سؤال



ت ۱۰ (راست). سردر مسجد از سمت میدان، مشتاق مأخذ: www.rando.blogfa.com
ت ۱۱ (چپ). دید از سمت جنوب غربی؛ عکس: م.ع اشرف گنجوی.



وارد پیش فضای ورودی می‌شود که با چند پله پایین‌تر از بازار قرار دارد، سپس به راهرویی می‌رسد که در انتها تا حدی روشن است، از آنجا، با چرخش نود درجه به چپ، از طریق راهرویی کوچک به حیاط آرام مسجد راه می‌یابد. ورودی بازار دو فضای متضاد را به خوبی تفکیک کرده است (ت ۹، گوشه سمت چپ بالای نقشه).

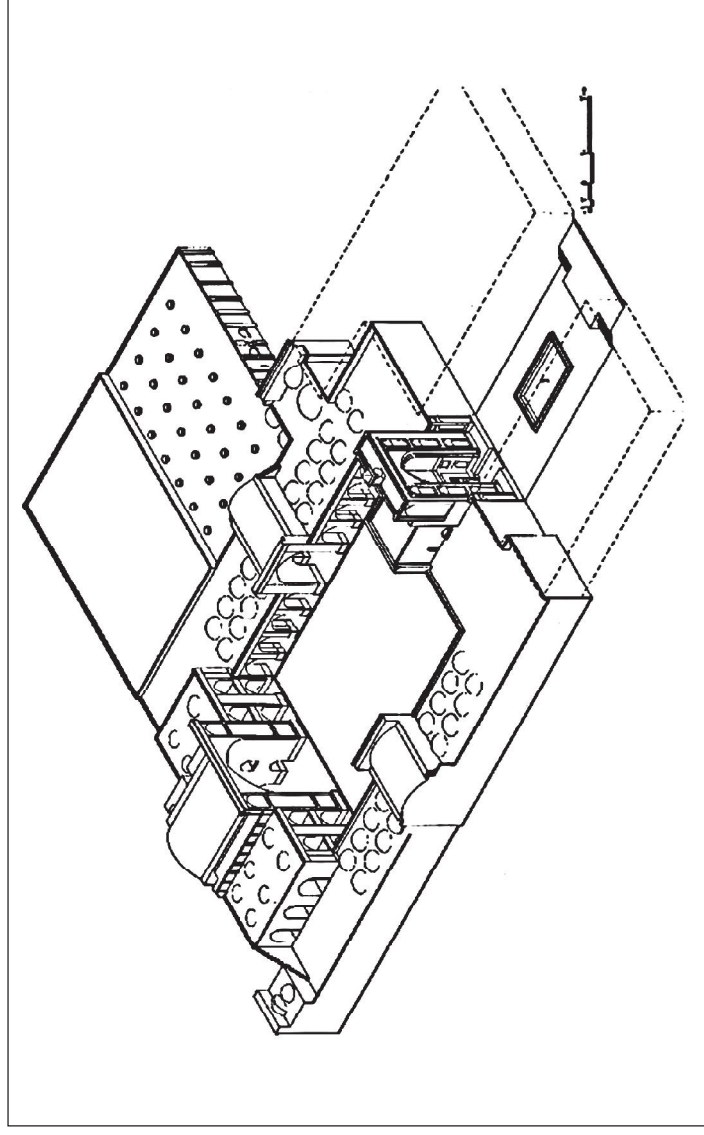
- نبود تأکید فرمی در حیاط مسجد برای دو ورودی فرعی: دو ورودی سمت خیابان شریعتی و بازار نمود یا تأکید فرمی خاصی در نمای داخلی ندارد، نمای داخلی ساختار متقارن خود را دارد و به‌نوعی نشان‌دهنده اهمیت کمتر این ورودی‌ها است.

- اهمیت هشتی و نقش اتصال‌دهنده آن در ورودی شرقی: ترکیب تزئینات و جزئیات هشتی شاخص است و عامل مکث و مفصل ارتباطی مناسبی است.

- زیباترین دید به حیاط مسجد (سؤال شد که زیباترین دید به حیاط کجاست؟): هنگامی که از هشتی (از نقطه وسط آن) به حیاط بنگریم، قاب فضای هشتی لبه‌های خاصی از نمای روبه‌رو (سمت محراب) را نشان می‌دهد که منطبق با خطوط هندسی نمای آن است. از هشتی ورودی اصلی نمای محراب و سپس خط آسمان دیده می‌شود (ت ۱۳).

- تغییر موضوع دید هنگام ورود به حیاط: پس از حضور در حیاط، آسمان جلب توجه می‌کند و این به نظر دانشجویان به دلیل ابعاد و تناسبات حیاط است.

بررسی تمایزهای بناها از طریق مقایسه عناصر مشابه: بناهای معماری ایرانی در مقیاس‌های مختلف شباهت‌هایی دارند، چنانکه ساختار کلی بسیاری از مساجد متشابه است و یا عناصری مثل ایوان در یک حیاط چندین بار تکرار می‌شود. البته



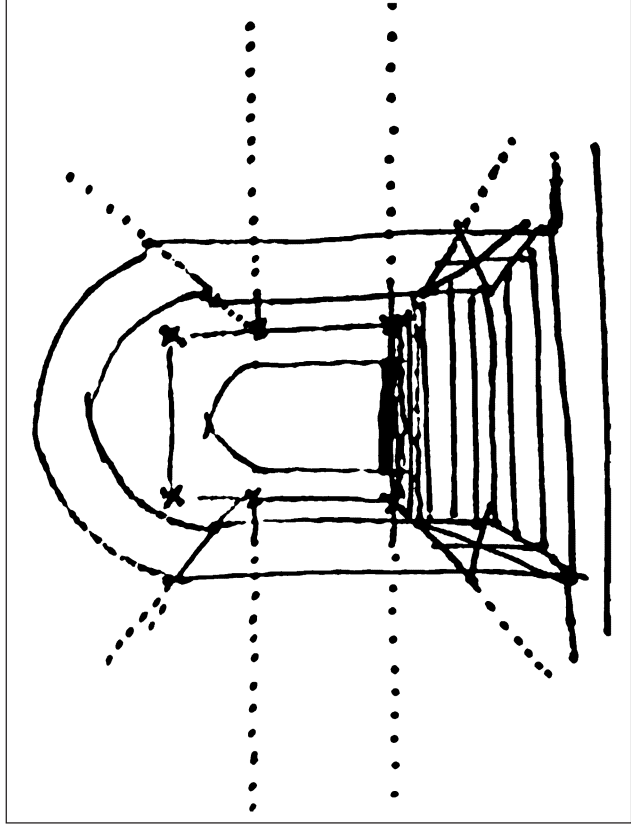
در عین تشابه تمایزهای متعددی دارند که عامل تفکیک عناصر و کیفیت‌ها است. اهمیت این موضوع باعث شد که به منظور تحلیل ارزش‌های معماری، از طریق مقایسه موارد بعضاً مشابه و درک شاخص‌های متمایزکننده تدابیری انجام شود:

- اهمیت رنگ و تزئینات در مسجد جامع نسبت به ملک: (از دانشجویان خواسته شد که مسجد جامع را با مسجد ملک مقایسه کنند). از مهم‌ترین عوامل متمایزکننده دو مسجد که البته شاخص اصلی مسجد جامع است، وجود کاشی‌های رنگارنگ است، که در مقایسه با تزئینات آجری و گچ‌بری مسجد ملک، باعث پیچیدگی بیشتر مسجد جامع نسبت به ملک شده است.

- مقایسه رابطه ورودی‌های شمالی و شرقی با زمینه هریک: در ورودی شمالی، زمینه (که همان ایوان‌ها، سقف، و شبستان‌های مسجد است) پررنگ‌تر از ورودی دیده می‌شود. اما در ورودی شرقی، ورودی آن بهتر دیده می‌شود، و پتانسیل لازم برای شخصیت دادن به ورودی شرقی را دارد (ت ۱۴).

ت ۱۳. کروکی دانشجویان از میانه هشتی شرقی به نمای روبه‌رو، ایوان محراب منطبق با لبه‌های طاق ورودی است.

(ترسیم دانشجویان ورودی ۱۳۸۴)



- اهمیت سردر ورودی شرقی: سردر سمت میدان مشتاق چون پیش ورودی شاخص‌تری دارد، عظیم‌تر از سردر شریعتی به نظر می‌رسد.

- اهمیت پیش ورودی شرقی به میدان مجاور آن: برای درک ذهنی بهتر از کیفیت فضای پیش‌ورودی از دانشجویان سؤال شد که برای یک استراحت ده دقیقه‌ای کدامیک از دو محیط جلویان مسجد یا محوطه میدان مشتاق را انتخاب می‌کنند؟ دانشجویان جلویان مسجد را انتخاب کردند، چرا که اولاً افراد نامناسب (به لحاظ فرهنگی) که در میدان حضور دارند در این محیط به دلیل نمادهای مذهبی مسجد حضور ندارند (اهمیت سمبل‌ها در الگوی اجتماعی مردم منجر به طرح این سؤال می‌شود که آیا می‌توان در معماری امروز همه سمبل‌های گذشته را به طور کامل حذف کرد؟)، ثانیاً فرورفتگی و لبه‌های این فضا باعث دنج بودن آن شده است.

اهمیت ویژگی‌های هر بنا از طریق تغییر آن‌ها: برای آنکه خصوصیات هویتی فضاهای معماری قابل‌درک شوند، از دانشجویان خواسته شد که با تغییر شاخص‌های هر فضا یا عنصر معماری اهمیت آن را ارزیابی کنند:

- اهمیت ارتفاع و رنگ در ورودی شرقی: با تغییر ارتفاع و رنگ مشخص شد که این دو عامل شخصیت و هویت سردر ورودی شرقی است.

- اهمیت زمین در برابر آسمان: سؤال شد که اگر بجای سنگ در کف حیاط و شبستان‌ها از آب استفاده شود چه تأثیری خواهد داشت؟ آیا فضای مسجد بهتر می‌شود؟ بسیاری از دانشجویان با این مورد مخالف بودند. مسجد صرفاً بعد معنوی و گرایش به آسمان را در خود ندارد، بلکه حضور زمین و خاکی بودن جزء لاینفک و حذف‌ناشدنی مسجد است. درواقع حضور آب (به صورتی که تعریف شد) نقش زمینی بودن فضا را حذف می‌کند. دانشجویان در تحلیل‌های انجام‌شده مطابق انتظاری که از روش تحلیلشان می‌رفت، به خصوصیات متنوعی از فضا دست یافتند.

شرایط محیط و زمینه در معماری و هماهنگی معماری با آن.

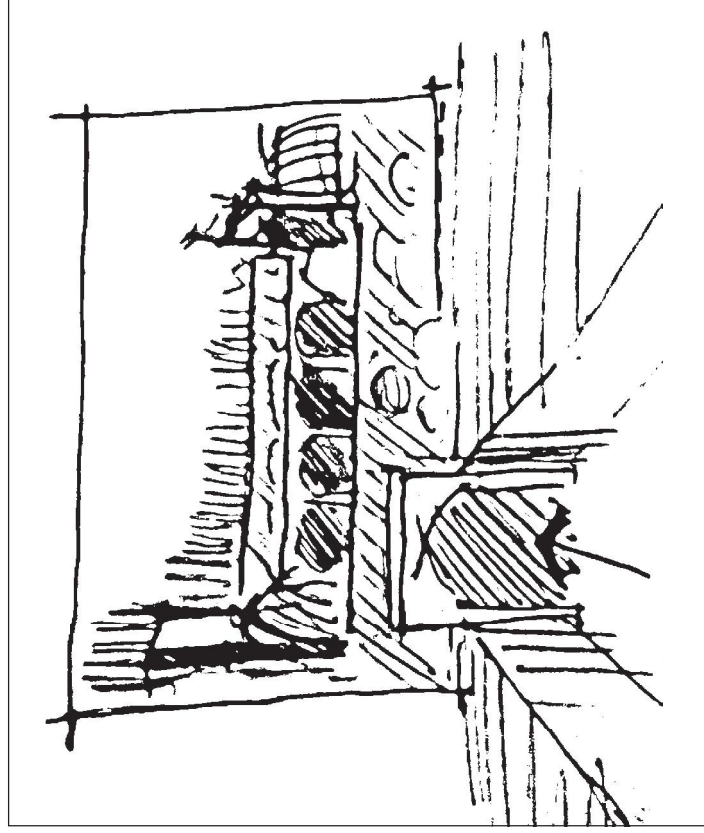
۳.۲. تدابیر جزء

پس از اینکه دانشجویان بنا را تجربه کردند و الگوهای ذهنی شکل گرفت، از جزئیات بنا سؤال شد:

- نسبت‌ها چه تأثیری در بنا ایجاد می‌کند؟ تناسبات یکی از شاخص‌های مهم بناهای معماری و خصوصاً تاریخی است. در فعالیت انجام‌شده، هدف بررسی تناسبات بر اساس ادراک است و نه ترسیمات هندسی که متکی بر نقشه‌های دوبعدی هستند.

- جابه‌جایی یا تغییر برخی از شاخص‌های معماری (فرم، رنگ، مصالح، و جزئیات) و یا روابط بین عناصر می‌تواند عاملی برای ارزیابی آن باشد و میزان تأثیر آن در فضا را مشخص کند. این مورد می‌تواند برای اجزاء یا نظم آن‌ها انجام شود.

ت ۱۴. کروی دانشجویان دید به ورودی شمالی، حیاط مسجد، سردر شرقی، و تا حدودی ایوان محراب و سقف مسجد سمت بالای ورودی دیده می‌شود. این قسمت که دور آن یک کادر ترسیم شده، پیش‌زمینه ورودی و عامل هویت‌بخش آن است. (ترسیم دانشجویان ورودی ۱۳۸۴).



که لزوماً قابل‌دسته‌بندی در یک عنوان خاص نیستند. برخی به روابط اجزاء (به طور مثال توجه به منظری که از محراب و نمای آن در ورودی اصلی دیده می‌شود)، برخی به خود اجزاء (به طور مثال تحلیل حیاط مسجد)، و برخی به حالت‌های کیفی (مانند رابطه فرهنگی مردم و بعد سمبلیک مسجد) توجه داشتند.

۳.۳. جمع‌بندی تدابیر بیان‌شده

در مجموع مشاهده می‌شود که تدابیر بر اساس موضوعات مطالعاتی و توانایی دانشجویان متنوع و در نتیجه نتایج نیز متنوع و وابسته به تنوع ذهنی دانشجویان بود. با مرور دوباره تحلیل‌ها، می‌توان آن‌ها را در چهار بخش کلی خلاصه کرد.

۱. تدابیر کل

این تدابیر بسیار کلی بوده و شامل اولین تجربیات شخص در فضا می‌شود:

- چه نقطه یا نقاطی از بنا در ذهن فرد شاخص‌تر است و به یاد می‌ماند؟ بر اساس تحلیل‌های ذهنی، تجربه و خاطره به منزله منابع اطلاعاتی لازم اهمیت زیادی در درک وقایع دارد. بنا بر این در نقد بنا، شخص باید مستقیماً فضا را تجربه کند (در نتیجه تحلیل‌های متکی بر ترسیم‌های دوبعدی مانند پلان مؤثر نخواهند بود). شخصی که فضا را تجربه می‌کند، شاخص‌های عامل هویت و تمایز آن فضا را به صورت خاطرات یا تجارب جذب می‌کند. بنا بر این بهترین روش تحلیل بیان این ذهنیت‌ها است.

بدین منظور در جلسات اول از دانشجویان خواسته شد که ذهنیات خود را نوشته و ترسیم کنند. در ضمن بعد از بازدید بنا (خصوصاً بازدید اول) سؤالات خاصی در خصوص کیفیت بنا از هر دانشجو پرسیده و خواسته می‌شد که آنچه را در ذهن دارد مرور کند.

- تجربه مکرر و مداوم بنا: این تدبیر دو امکان را ایجاد می‌کند: اول عمیق‌تر شدن برخی برداشت‌ها و دوم بررسی تأثیر زمان و

۳.۳. تدابیر خاص بنا

این تدابیر مربوط به تدابیر جزء هستند که از آن‌ها نگاهی خاص‌تر به بنا دارند. بنا بر این تدابیر مربوط به این بخش برای بناهای مورد مطالعه بر اساس اصول معماری حاکم بر بناهای تاریخی اشاره‌شده در کتب معماری اسلامی شکل می‌گیرند. از آنجایی که در اکثر این کتب به مفاهیم معماری اسلامی، نگاهی کلی با ساختاری کمی (و بعضاً تیپولوژیک) شده است، در روش‌های پدیدارشناختی و کیفی این مفاهیم به طور خاص بر اساس مورد مطالعه (که همان بنای معماری است) تحلیل می‌شوند. در ضمن در این مورد دانش و تجربه ذهنی مری اهمیت بسیار زیادی دارد:

- تمایز فضای درون با محیط بیرونی: از آنجا که درونگرایی از اصول معماری ایرانی است، فرد با مفهوم درونگرایی بر اساس الگوی خاص بنا آشنا می‌شود.

- حرکت در فضا و ثبت تجربیات حاصل از آن و آنچه که در مراحل مختلف یک بنا در اختیار انسان قرار می‌گیرد، این روش می‌تواند برای هر بنای معماری استفاده شود، بنا بر این می‌تواند مربوط به «تدابیر جزء» نیز باشد، اما در بناهای تاریخی، که سلسله‌مراتب در آن‌ها هست، می‌توان از این تدبیر برای درک نوع تأثیر آن‌ها استفاده کرد.

- با مقایسه بناها یا عناصر مشابه موارد متمایز بررسی شود، این روش در بناهای تاریخی ایران مناسب است که به نظر ساختارهای مشابهی (در نظم‌ها، عناصر، و یا کیفیت‌های فضایی) دارند. به طور مثال ساختار حیاط مرکزی مساجد و یا تکرار عنصر ایوان در مساجد، ظاهراً عامل تشابه است، اما با مشاهده دقیق و بررسی تمایزات می‌توان به شاخص‌های هویتی آن‌ها پی برد.

۴.۳. تدابیر مربوط به روش بیان

- سعی شود که در ترسیمات از عین فرم‌ها یا نمادها (خصوصاً در بناهای سنتی) استفاده نشود، یکی از دلایل ناموفقیت در الهام‌گیری

از معماری گذشته استفاده مستقیم از نمادها و عناصر سنتی است که طراح با تقلید از آن‌ها ادعای الگوبرداری از بناهای سنتی را دارد. لازم به یادآوری است که این تمرین ساختاری مدرنیستی دارد و در آن نقش تزئینات نادیده گرفته می‌شود. برای چیران این مورد خواسته شد که به تزئینات و الگوهای آن توجه شود.

- در طراحی گرایش به ساده‌گرایی، فرم و رسیدن به نوعی تجرید و انتزاع منظور شود که در آن خالصانه ماهیت محتوایی شیء عرضه می‌شود.

- در ترسیمات، هر شاخصه‌ای که بیشتر هویت عنصر یا عناصر شاخص بنا را تعریف می‌کند با اغراق بیشتری ترسیم شود.

۴.۴. ارزیابی تدابیر

به طور کلی تدابیر مورد استفاده در این مقاله و نتایج حاصل از آن بر اساس چهار الگوی مشخص تدوین شده است. حال این الگوها بر اساس نگرش‌های پدیدار شناختی ارزیابی می‌شوند تا نقش و تأثیر شان در نقد معماری مشخص گردد:

۱.۴. تدابیر کل

این تدابیر شکل‌دهنده ایده‌های اولیه حاصل از تجربه و مشاهده بنا هستند و اهمیت آنها بدین جهت است که شخص حتی در صورت عدم وجود تئوری یا نظریه قبلی، می‌تواند بنا را نقد کند و به ایده‌های جدید دست یابد. از آنجایی که در بسیاری از روش‌های نقد شخص بر اساس اصول تعریف شده، بنا را نقد می‌کند نتایج حاصل منحصر به آن اصول است حال آنکه در پدیدارشناسی آزادی شخص بیشتر بوده و خود او تولیدکننده دانش است، بنابراین به ابعاد بسیار وسیعی از عناصر، نظم‌ها و شاخص‌های هویتی توجه می‌شود (در دو تجربه انجام شده دانشجوین به نقش تزئینات و تأثیر آنها توجه داشتند و این در حالی است که در نقدهای مدرن تزئینات در تحلیل حذف شده و ارزیابی نمی‌شوند). تدابیر کل در نهایت می‌توانند موضوع کنکاش بیشتر در قالب تدابیر جزء باشند.

عمدتاً کمی تجربه کرده‌اند، تقابلی بیان نهایی را خواسته یا نخواست‌ه به تقلید روش‌هایی می‌رساند که حتی ممکن است در برخی موارد مغایر با اصول پژوهش‌های پدیدارشناختی باشد (می‌توان در این مورد در چند هفته‌اول روش‌هایی برای اصلاح نگرش‌های دانشجویان در قالب چند تمرین مقدماتی بیان کرد).

۵. نتیجه‌گیری

روش‌های پدیدارشناسی در راستای ارتباط یک پدیده و ادراک انسانی هستند و اهمیت این بررسی‌ها در آن است که چگونه واقعیت بر افراد جلوه‌گر می‌شود، و ربطی به ماهیت عینی واقعیت ندارد. در معماری نگرش‌های پدیدارشناختی بر اساس تجربه افراد در فضا تعریف می‌شوند، بنا بر این در نقد بنا، شخص باید مستقیماً فضا را تجربه کند. پس در امر آموزش باید تدابیری در خصوص چگونگی تجربه فضا به فرد عرضه شود تا بتواند بنا را بر این اساس تجربه و مشاهده کند و سپس ادراک ذهنی خود را بیان کند. البته در زمینه روش بیان نیز می‌توان تدابیری عرضه داشت. این بیان حاوی ارزش‌های بنای معماری است که البته بسته به ذهن هر شخص متفاوت خواهد بود.

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد در پژوهش‌های پدیدارشناختی همه موارد مطالعه کمتر از پژوهش‌های کمی است، اما ابعاد بسیار وسیعی از مورد مطالعه، پژوهش می‌شود که عامل مهمی در برتری پژوهش‌های پدیدارشناسی نسبت به پژوهش‌های کمی است. در نقد پدیدارشناختی در معماری برخلاف روش‌های تیپولوژی و کمی که «خصوصیات مشترک» در تعداد وسیعی از بناها بررسی می‌شود، به تمایزهای بنا که عامل هویت آنها است توجه می‌شود. این خصیصه می‌تواند در مورد بناهای تاریخی با هدف درک ارزش‌های منحصربه‌فردشان استفاده شود، و با انتخاب تدابیر مناسب، پویایی لازم را برای نقد بناهای تاریخی فراهم کرد، از این طریق امکان رسیدن به نتایج قابل‌قبول فراهم شده و می‌توان از تحلیل‌های حاصل

۲.۴. تدابیر جزء

این تدابیر همیشه نقش ثانویه دارند، زیرا باید نخست الگوهای اولیه ذهنی از فضا در ذهن شکل بگیرد تا بتوان از این تدابیر استفاده کرد.

اهمیت تدابیر جزء به چند دلیل است: هرچند این تدابیر ممکن است شامل موضوعاتی باشند که در سایر روش‌های تحلیلی نیز استفاده می‌شود، اما نتایج، به دلیل اتکا به ساختارهای ذهنی، متفاوت خواهد بود (به طور مثال تناسب موضوعی است که در بسیاری از نقدها بدان پرداخته شده است، اما در نقد پدیدارشناختی نگاهی متفاوت به تناسبات شده است). تدابیر جزء، ساختاری زمینه‌ای دارند، این تدابیر می‌توانند بر اساس برداشت‌های اولیه دانشجویان شکل گیرند و از سوی مری موضوع تحقیق تعریف شود.

۳.۴. تدابیر خاص بنا

در روش‌های پدیدارشناختی ذهن خود پژوهشگر در امر پژوهش دخیل است و ساختار پژوهش می‌تواند مستقیماً تحت تأثیر ذهن او باشد.

اهمیت این مسئله در آن است که هر چقدر دانش مری از بنای مورد نقد و اصول حاکم بر آن غنی‌تر باشد، امکان طرح تدابیری مرتبط با اصول بنا بیشتر است. همچنین ویژگی این تدابیر در این است که برخلاف روش‌های تیپولوژی و کمی که «خصوصیات مشترک» در مجموعه وسیعی از بناها بررسی می‌شود، در روش‌های پدیدارشناختی به تمایزات بنا که عامل هویت آن‌ها است توجه می‌شود.

۴.۴. تدابیر مربوط به روش بیان

از آنجا که برای بیان تحلیل‌ها و نقد متکی بر روش پدیدارشناسانه، دانشجویان و یا حتی خود مری متکی بر روش‌هایی هستند که قبلاً در قالب آموزش‌های آکادمیک و منطبق بر روش‌های نقد

در طرح‌های جدید استفاده کرد و بدین وسیله امکان تداوم ارزش‌های ابنیه تاریخی در معماری امروز و پیدایش نوعی معماری زمینه‌گرا ایجاد شود.

بر این اساس دو بنای تاریخی شهر کرمان (مسجد ملک و جامع) انتخاب شد و با تدابیر مری و تجربیات دانشجویان نقد شدند. تدابیر بر اساس ویژگی‌های هر بنا، توانایی دانشجویان، و ذهنیت مری شکل می‌گرفتند. تنوع تدابیر حاصل از دو پژوهش بر اساس الگوهای هریک زیر چهار عنوان: تدابیر کل، تدابیر جزء، تدابیر خاص بنا، و تدابیر روش بیان تقسیم‌بندی شد و با هدف شناخت نقش و ارزش هر یک از تدابیر تجربه‌شده در نقد، ارزیابی شدند.

این ارزیابی نشان می‌دهد که تدابیر کل به دلیل توجه و تمرکز آن‌ها در عرضه ایده‌ها و ارزش‌های مربوط به بنا، برای نقد بناهای تاریخی (حتی در صورت کمبود یا فقدان منابع اطلاعاتی آن بنا) بسیار کارآمد هستند. از آنجایی که شخص، بدون استفاده از اصول کلیشه‌ای نقدهای معمول، بنا را نقد

می‌کند، به اصول و ارزش‌های خود بنا توجه دارد و به‌نوعی نقد اوزمینهای است؛ البته در این راستا تدابیر جزء نیز نقش مؤثری دارند. چرا که می‌توانند در راستای تدابیر کل و تکمیل‌کننده آن‌ها باشند.

از سوی دیگر، روش‌های پدیدارشناختی امکان نقد بناهای تاریخی را (حتی در صورت مشابهت عناوین بررسی‌شده با روش‌های کمی) با نگاهی جدید ایجاد می‌کند که منجر به نتایجی بکر و متنوع می‌شود. این نتایج حتی زمانی که تدابیر بر اساس اصول کلی حاکم بر بناهای تاریخی شکل می‌گیرند، دارای نوآوری هستند و باعث می‌شوند که بنا از نگاه‌های مختلف مشاهده و تحلیل شود (در بسیاری از کتب، نگاه خاص و یک‌جانبه‌گرایانه به بناهای تاریخی می‌شود). تحلیل‌های دانشجویان (حتی در صورت تکراری بودن برخی موارد)، دریافت‌های شخصی و برداشت‌های ذهنی خود دانشجویان است و بنا بر این ارزشمند است و دانشجویان با سهولت بیشتری می‌توانند از تجارب حاصل در طراحی استفاده کنند.

فریاد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

Darlington, Y. & D. Scott. *Qualitative Research in Practice Stories from the Field*, Australia: Allen & Unwin, 2002.

Denzin, N.K. & Y. Lincoln. *Strategies of Qualitative Inquiry*, London: Sage Publications, 1998.

Maykut, P. & R. Morehouse. *Beginning Qualitative Research*, London: The Falmer Press, 2005.

McPhee, N. & R. Terry. *The Hidden Art of Interviewing People*, London: John Wiley & Sons Ltd, 2007.

Strauss, A.L. & J.M. Corbin. *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, London: Sage Publications, Inc, 1998.

Toadvine, T. *Ecological Aesthetics*, Hand book of Phenomenological Aesthetics, London: Springer, 2010.

www.rando.blogfa.com

منابع و مآخذ

حاجی قاسمی، کامبیز. گنجنامه، جلد ۱، مساجد جامع، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۳.

_____ . گنجنامه، جلد ۲، مساجد، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۳.

ریخته‌گران، محمدرضا. هنر از دیدگاه مارتین هایدگر، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴.

سیف، علیرضا. *روان‌شناسی پرورشی*، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۳.

کال، مردیت و دیگران. روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سمت، ۱۳۸۳.

گروت، لیندا و دیوید وانگ. روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

ویلبر، دونالد نیوتون. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه عبدالله